



دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور

دانشگاه پیام نور استان تهران

مرکز تهران غرب

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

عنوان پایان نامه:

بررسی هویت مقاومت ایرانیان در دو سده نخست هجری

غلامرضا فتح علیان

استاد راهنما: آقای دکتر کاوه امیرخانی

استاد مشاور: آقای دکتر حسین علی کریمی

گروه علوم سیاسی

رشته علوم سیاسی

بهمن ۱۳۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به روان ارجمند پدرم

## سپاسگزاری

سپاس اول و آخر خدای عز و جل راست که خلق را فرصت حیات بخشید بی منت، و این بنده را فرصتی فراهم آمد تا این کمترین کار به انجام رسد.

سپاس بیکران از جناب آقای دکتر کاوه امیر خانی، که مشوق و راهنمای اصلی بنده در طول تحصیل و در انتخاب موضوع و به انجام رسانیدن این تحقیق بوده‌اند و در تمام مراحل تحقیق بی هیچ متنی از راهنمایی‌های ارزشمندشان دریغ ننمودند.

سپاس فراوان از جناب آقای دکتر حسینعلی کریمی که با پذیرش مشاوره در به انجام رسانیدن این پایان نامه مرا یاری نمودند.

سپاس بیکران از همسر و دخترم که از بذل اوقات با هم بودن برای زمان‌های بسیاری که صرف مطالعه و تهیه این پایان نامه شد، دریغ نداشتند، و همراه بودند.

سپاس فراوان از پدر و مادر عزیزم که مرا برای رسیدن به این مرحله از زندگی مهیا ساختند.

و سپاس از کلیه کسانی مرا در پای نهادن به این مرحله یاری کردند.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷.....	فهرست مطالب
XI.....	چکیده
XII.....	مقدمه
۱ .....	<b>فصل اول: کلیات</b>
۱.....	۱ - ۱ مسئله.....
۱.....	۱ - ۱ - ۱ مسئله پژوهش ( شامل بیان مسئله، اهمیت، ضرورت و پرسش پژوهش).....
۶.....	۱-۱-۳سوالها اصلی تحقیق.....
۷.....	۱-۲ فرضیات تحقیق.....
۷.....	۱-۳ اهداف پژوهش
۷.....	۱-۳-۱ هدف اصلی
۷.....	۱-۳-۲ اهداف فرعی
۷.....	۱-۴ کاربردهای متصور از این تحقیق
۸.....	۱-۵ مراجع استفاده کننده از نتایج پایان نامه
۸.....	۱-۶-۱ روش و ابزار گردآوری اطلاعات و نحوه اجرای تحقیق
۱۰.....	۱-۶-۲ روش و ابزار گردآوری اطلاعات
۱۰.....	۱-۷ روش اجرای تحقیق
۱۱.....	۱-۸ روش تجزیه و تحلیل داده ها
۱۲.....	۱-۹ قلمرو تحقیق (موضوعی، مکانی و زمانی)

صفحه	عنوان
۱۳	فصل دوم مبانی نظری و پیشینه تحقیق
۱۴	۱-۲-۱ هویت
۱۴	۱-۲-۲ مفهوم هویت در روانشناسی
۱۷	۲-۲-۲ مفهوم هویت در جامعه شناسی و علوم سیاسی
۲۰	۳-۲-۲ اجزاء یا عناصر هویت
۲۱	۱-۳-۲-۲ سرزمین
۲۲	۲-۳-۲-۲ زبان
۲۳	۳-۳-۲-۲ دین
۲۳	۴-۳-۲-۲ میراث تاریخی فرهنگی و سیاسی
۲۴	۴-۲-۲ سطوح هویت
۲۷	۵-۲-۲ هویت مقاومت
۲۹	۳-۲ تعاریف عملیاتی در این تحقیق
۲۹	۱-۳-۲ هویت
۳۰	۲-۳-۲ هویت مقاومت
۳۱	۳-۳-۲ ایرانیان
۳۱	۴-۳-۲ دو قرن نخست هجری

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۱.....	۲-۳-۵ سایر مفاهیم این تحقیق
۳۳.....	۲-۴-۴ مبانی نظری تحقیق
۳۴.....	۲-۴-۱ رهیافت جامعه شناسی تاریخی حمید احمدی
۳۷.....	۲-۴-۲ نظریه هویت امانوئل کاستلز
۴۰.....	۲-۴-۳ نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز
۴۵.....	۲-۴-۴ مدل نظری این تحقیق
۴۸.....	۲-۵-۵ مروری بر ادبیات تحقیق
۴۹.....	۲-۵-۱ بررسی هویت تاریخی دینی ایرانیان آثار و نظریات مرتبط با هویت دینی و تاریخی ایرانیان.....
۴۹.....	۲-۵-۱-۱ تاریخی بودن هویت ایرانیان.....
۵۰.....	۲-۵-۱-۲ مرتضی مطهری.....
۵۲.....	۲-۵-۱-۳ علی شریعتی.....
۵۴.....	۲-۵-۱-۴ عبدالکریم سروش.....
۵۴.....	۲-۵-۱-۵ برتولد اشپولر.....
۵۶.....	۲-۵-۲ نظریه هایی در مورد هویت تاریخی ایرانیان بر اساس زبان دین و تاریخ.....
۵۶.....	۲-۵-۲-۱ زبان ایرانیان.....
۵۸.....	۲-۵-۲-۲ دین ایرانیان.....
۶۰.....	۲-۵-۲-۳ تاریخ ایرانیان

عنوان	صفحه
۳-۵-۲ علل سقوط ساسانیان و شکست ایران	۶۱
۲-۳-۵-۱ وضعیت ایرانیان در دوره خلفا	۶۸
۲-۳-۵-۲ وضعیت ایرانیان در مواجهه با حکومت امویان	۶۹
۳-۳-۵-۲ وضعیت ایرانیان در همراهی و مواجهه با حکومت عباسیان	۷۰
۲-۳-۵-۴ هویت شیعی ایرانیان	۷۲
فصل سوم: تجزیه و تحلیل داده ها	۷۵
مقدمه	۷۶
۳-۱ یافته های مربوط به نقش عنصر دین در دو سده نخست هجری در تغییرات هویت ایرانیان ...	۷۹
۳-۱-۱ دین ایرانیان در زمان ساسانیان	۷۹
۳-۱-۲ تغییرات دینی در دو سده نخست هجری	۸۰
۳-۱-۳ بحث مربوط به فرضیه اصلی	۸۷
۳-۲ یافته های مربوط به هویت مقاومت در شکل دادن فرایند هویت دینی ایرانیان در دو سده نخست هجری .....	۹۱
۳-۲-۱ برساختن هویت شیعی، تمایز و غیریت	۹۱
۳-۲-۲ اهمیت نقش کارگزاری و کنش ایرانیان در برساختن هویت شیعی	۹۲



صفحه	عنوان
۹۳.....	۳-۲-۳ مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل گیری هویت شیعی ایرانیان
۹۶.....	۳-۲-۳ مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل گیری هویت شیعی ایرانیان در دوره امویان
۹۸.....	۳-۲-۲ مدل نظری تلفیقی تحقیق و شکل گیری هویت شیعی ایرانیان در دوره عباسیان
۱۰۱.....	۳-۲-۴ بحث مربوط به فرضیه ۲
۱۰۳.....	۳-۳ یافته های مربوط به تقابل یا همسویی هویت دینی و هویت تاریخی ایرانیان
۱۰۶.....	۳-۳-۱ بحث مربوط به فرضیه ۳
۱۰۸.....	۳-۴ نتیجه گیری و پیشنهادات
۱۱۱.....	۳-۵ جمع بندی کلی
۱۱۲.....	۳-۶ توصیه های پژوهشی
۱۱۲.....	۳-۷ توصیه های سیاستی
۱۱۳.....	منابع

فهرست نمودارها :

صفحه	عنوان
۳۶.....	نمودار شماره ۱.....
۳۹.....	نمودار شماره ۲.....
۴۵.....	نمودار شماره ۳.....
۴۷.....	نمودار شماره ۴.....

## چکیده:

هویت پدیده ای است، چند وجهی، پیچیده و بین رشته ای. منظور این تحقیق از هویت عبارت است از: خاص و متمایز بودن، ثابت و پایدار ماندن و به جمع تعلق داشتن. هرگونه هویت سازی مستلزم ایجاد مرز و توسل به مرجع های ثابت و پایدار است. این مراجع همان عناصر سازنده هویت از قبیل، زبان، دین، سرزمین، و تداوم آنهاست.

موضوع هویت و بحران های مرتبط با آن در مقاطع مختلف تاریخ ایران برای ایرانیان مطرح بوده است. در سالهای اخیر، هر گاه سخن از هویت ایرانی به میان می آید، نوعی تقابل میان دو هویت دینی و ایرانی، مشاهده می شود. گویی که ایرانیان یا باید ایرانی باشند و بدنبال احیای فرهنگ و تمدن ایرانی و باستانی خود بروند، یا باید مسلمانی پیشه کنند و پیرو فرهنگ و آموزه های اسلامی باشند.

روش شناسی تحقیق کیفی تحلیلی است، و با هدف بررسی چگونگی پذیرش اسلام توسط ایرانیان و تاثیر آن بر هویت دینی و زبانی بعنوان اجزاء هویت ملی ایرانیان در دو قرن نخست هجری انجام شد. سوال اصلی تحقیق آن است که: تغییرات عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانیان (بخصوص دین) در دو سده نخست هجری در چارچوب هویت مقاومت چگونه تعریف میشود؟

مدل نظری تحقیق تلفیقی از بکارگیری مفاهیم نظریه ساخت یابی گیدنز، و نیز بکارگیری این مفاهیم در همراهی با نظریه هویت مقاومت کاستلز، در بررسی رفتار های هویت جویانه جنبش های اجتماعی ایرانیان در دو قرن نخست هجری، و با توجه به نظریه جامعه شناسی تاریخی احمدی است.

نتایج تحقیق نشان می دهد که این تغییرات هویتی نه از سر تحمیل و اجبار، و پی آمد شکست دولت ساسانی و ایرانیان از اعراب است، که طی فرایندی طولانی، سخت و خونبار و در پی انتخابی سرنوشت ساز و بنیادین توسط ایرانیان و در مخالفت و مقاومت در برابر سلطه و تحمیلات حاکمان عرب ایران به انجام رسیده است. هویت شیعی و زبان فارسی جدید ایرانیان به اعتقاد این تحقیق حاصل حقانیت خوانش شیعی خاندان پیامبراز اسلام و انتخاب هوشمندانه و اصیل ایرانیان است. و منافاتی با هویت تاریخی ایرانیان ندارد، بلکه در امتداد و مکمل هویت ایرانیان است.

من کیستم؟ سوالی که نه تنها بزرگترین فیلسوفان در تمام جهان و تمام ادوار و همه ادیان و مکاتب و فرهنگ ها بدنبال پاسخ دادن به آن بوده و هستند، بلکه همه ابنا آدمی به فراخور وسع و درک خود مستمرا" در پی جویی پاسخ آند. سقراط به همگان توصیه می کرد که خودت را بشناس. و این جمله معروف او بر سر در معبد دلفی نقش بست. قبل از او هم بسیاری از مکاتب فلسفی و دینی در شرق جهان، در هند و در چین بدنبال این پاسخ بوده اند. تمام ادیان ابراهیمی و بخصوص اسلام بر شناخت خویشتن اهمیتی اکید نموده اند. و در احادیث روایت شده از پیامبر و اسلام و ائمه اطهار نیز این تاکید را میتوان به وفور یافت، از جمله این حدیث مشهور در خودشناسی که می فرمایند: من عرفه نفسه، فقد عرفه ربه، یعنی هرکه خود را شناخت خدای خود را شناخته است. این تاکید ها همه در اهمیت موضوع هویت بیان شده است.

هویت یک مفهوم چند وجهی است، و مورد توجه طیف بسیار وسیعی از مخاطبان قرار دارد، از عموم مردم که از هویت فردی خود می پرسند، تا دانشمندان، محققان و سیاست مداران، که به معنای هویت و انواع هویت های اجتماعی، سیاسی و ملی توجه دارند. امانوئل کاستلز معتقد است که "هویت سرچشمه معنا و تجربه برای مردم است." (کاستلز، ۱۳۸۹: ۲۲) "هویت شناختن و شناساندن است، و این دو وجه دارد: یکی شناخت خود در ارتباط با چیزی، و دیگری شناساندن خود بر اساس آن چیز به دیگران. انسان خود را بر اساس رابطه ای که با یک پدیده دارد شناسایی و به دیگران معرفی می کند." (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۶۶)

انقلاب اسلامی ایران و رخدادهای پس از آن در ایران، همچنین وقایع مختلف در چند دهه اخیر، در جهان، بخصوص فرو پاشی اتحاد جماهیر شوروی و استقلال جمهوری های آن و نیز فرایند جهانی شدن، موجب بیشتر مطرح شدن بحث هویت ملی در میان مردم کشورهای مختلف و نیز ایران گردیده است.

موضوع هویت و بحران های مرتبط با آن در مقاطع مختلف تاریخ ایران برای ایرانیان مطرح بوده است و شواهد متعددی برای آن وجود دارد. اما در دوران مشروطیت بحث هویت ایرانیان این بار در برابر غربیان به عنوان غیر مطرح می شود. پس از انقلاب اسلامی هویت ملی ایرانیان تا حدودی تحت الشعاع برجسته شدن هویت دینی و اسلامی مردم ایران قرار گرفت، تا آنجا که گروهی، "از یک چشم انداز سیاسی و با دیدی مبتنی بر نظریه توطئه به نفی ملیت و هویت ملی ایران و میراث فرهنگی و گاه دینی آن می پرداخت و تمام این میراث را جعلی و ساخته و پرداخته نیروهای خارجی می دانست." (احمدی، ۱۳۹۰: ۵) از سوی دیگر

گروهی از نویسندگان و نظریه پردازان و سیاستمداران در رابطه با هویت باستانی ایرانیان راه افراط پیموده و منکر عنصر اسلامی و شیعی در هویت دینی ایرانیان هستند. " آنچه در سیاست های رضاشاه دیده می شود، نفی ویژگی اسلامی، تلاش برای از بین بردن آثار و عوارض هویت عنصر اسلامی در هویت ملی و برجسته سازی عنصر ایرانیت و شرایط گذشتگان و نیاکان، و ندیدن این الزام بسیار سنگین در یکپارچه دیدن این عناصر است. " ( کولایی، ۱۳۸۳: ۵۹) "در سالهای اخیر، هر گاه سخن از هویت ایرانی به میان می آید، نوعی تقابل میان دو هویت دینی و ایرانی، مشاهده می شود. گویی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم به ایرانیان و به خصوص به نسل جوان و نسل سوم گوشزد می شود که یا باید ایرانی باشند و بدنبال احیای فرهنگ و تمدن ایرانی و باستانی خود بروند، یا باید مسلمانی پیشه کنند و پیرو فرهنگ و آموزه های اسلامی باشند. " (محمودی، ۱۳۸۳: ۲۹۴)

وجود این ادبیات تندرو در هر دو سو بعلاوه تلاش های جهان سرمایه داری برای تعریف مورد نظر و مطابق با اهداف خودش از هویت، در ادبیات جهانی سازی موجب بروز سر در گمی و چالش های جدی در فهم هویت ملی و هویت دینی بعنوان یکی از اجزای هویت ملی، برای ایرانیان بخصوص جوانان و نوجوانان گردیده است. نتایج یک تحقیق در مورد کاربران اینترنت نشان داده " زمانی که کاربران در استفاده از اینترنت فعالیت و مشارکت بیشتری دارند، میزان هویت ملی آنها کاهش پیدا کرده است. " (عباسی قادی، ۱۳۹۰: ۱۸۸)

هویت ایرانیان با مفاهیم و عناصر تاریخ باستانی پیش از اسلام و آموزه های اسلامی شیعی در مسیر تاریخ همراه شد و دانش و خرد ایرانیان مسلمان فرهنگ ایران و جهان را پر بارتر ساخت. " جلوه های درخشان این فرهنگ و تمدن باستانی که در شاهنامه فردوسی بازتاب یافته، با اخلاق، معنویت، و دین داری عجین گشته و البته با آموزه ها و سرمشق های دین مقدس اسلام انطباق اصولی دارد. بنا براین چطور می توان قائل به نوعی تنازع و تقابل میان هویت دینی و هویت ایرانی شد، حال آنکه وجه غالب هویت ایرانی، احترام به حقوق انسان ها، توجه به معنویات، اخلاق و دین گرایی است؟ (محمودی، ۱۳۸۳: ۲۹۵)

بنابراین شایسته بنظر رسید تا از زاویه ای دیگر به هویت ملی و هویت دینی ایرانیان پرداخته شود تا نکات اشتراک هویت دینی، اسلامی - شیعی ایرانیان را روشن تر ساخته و همگرایی و همبستگی هویت تاریخی و دینی ایرانیان را، بخصوص در نقطه عطف و مقطع حساس حمله اعراب به ایران، ورود اسلام و چگونگی

پذیرش آن توسط ایرانیان و تاثیر آن بر هویت دینی و زبانی بعنوان اجزاء هویت ملی ایرانیان در دو قرن نخست هجری پرداخته شود.

با توجه به اهداف و فرضیات تحقیق حاضر که به نقش مردم ایران در شکل دادن به هویت و معنای وجودی خودشان پرداخته است، و با توجه به اینکه "روش های کیفی در جایی که هدف پژوهش پرداختن به کشف تجارب ذهنی مردم و معانی که آنان به این تجارب می دهند، مناسب ترین مورد می باشد." (مارش، استوکر، ۱۳۹۰: ۲۲۷)، برای انجام این تحقیق روش کیفی برگزیده شد. برای انجام تحقیق از چارچوبی تلفیقی برای تفسیر چگونگی هویت دینی ایرانیان دو سده نخست هجری استفاده شد. چارچوب نظری تلفیقی پیشنهاد شده که از بکارگیری توامان نظریه هویت مقاومت کاستلز، هویت تاریخی حمید احمدی و ساخت یابی آنتونی گیدنز فراهم آمد، و در تحلیل علل تغییرات هویتی ایرانیان در بازه زمانی تحقیق مورد استفاده قرار گرفت.

نتایج تحقیق نشان می دهد که این تغییرات هویتی نه از سر تحمیل و اجبار، و پی آمد شکست دولت ساسانی و ایرانیان از اعراب است، که طی فرایندی طولانی، سخت و خونبار و در پی انتخابی سرنوشت ساز و بنیادین توسط ایرانیان و در مخالفت و مقاومت در برابر سلطه و تحمیلات حاکمان عرب ایران به انجام رسیده است. هویت شیعی و زبان فارسی جدید ایرانیان به اعتقاد این تحقیق حاصل انتخاب هوشمندانه و اصیل ایرانیان است.

# فصل اول:

## کلیات

۱ - ۱ - ۱ مسئله پژوهش ( شامل بیان مسئله، اهمیت و ضرورت، و پرسش پژوهش )

بیان مسئله:

هویت دینی و زبانی بعنوان اجزائی از هویت ملی فرض دانسته شده. ایرانیان در درازای تاریخ باستانی خود بر دین زرتشت بوده اند. چگونگی جایگزینی دین اسلام و مکتب تشیع، و نیز تغییرات زبانی که منجر به جایگزینی فارسی میانه با زبان پهلوی باستان گردید، از چالش های هویتی مطرح در میان محققان ایرانی و مستشرقین بوده، و امروز هنوز سوال مهمی برای بخش های از جامعه ایران بخصوص جوانان و نوجوانان نسل های دوم و سوم انقلاب است. تلاش در روشن ساختن و نشان دادن تفسیری صحیح، بیطرفانه و آکادمیک از موضوع هنوز با اهمیت جلوه میکند.

هویت از نظر بحث های سنت، مدرنیسم و پسامدرن دارای تفاوتهای بسیار است و اختلاف نظر ها به حدی گسترده است که برخی آن را موضوعی تاریخی، گروهی آن را موضوعی متاخر، مدرن و با اهداف ملی و یا استعماری و گروهی آن را برساخته ای اجتماعی و گروهی آن را موضوعی خیالی فرض کرده اند، برخی نظریه پردازان پست مدرن مانند استیوارت هال، بندیکت اندرسون، ژاک ماری لاکان، میشل فوکو، و دیگران معتقدند که خویشتن ثابت و منسجم و هویت و نیز هویت ملی وجود خارجی ندارد و تنها یک توهم ذهنی است. بحث با اهمیت دیگری که در موضوع هویت مطرح است و همچون مبحث پیشین با تناظر و تعارض نظری در بین محققان کشور مواجه است، اجزاء سازنده هویت و نقش، اهمیت و مرتبه این اجزاء در شکل گیری هویت ایرانیان است. در زمینه عناصر سازنده، و یا اجزاء هویت بحث و اختلاف نظر های زیادی وجود دارد اما بیشترین اشتراک در موارد ذیل وجود دیده میشود: سرزمین جغرافیایی با مرزهای مشخص، ملیت، تاریخ، فرهنگ، و در بسیاری موارد اجزاء فرهنگ بصورت جداگانه ذکر شده اند از جمله زبان، دین، سنت، قومیت و جنسیت.

یکی از مهمترین اختلافات در میان محققان بحث تغییرات دینی و زبانی ایران در قرون نخست هجری، و جایگاه، مرتبه، اهمیت و نقش دین اسلام و مذهب شیعه در شکل گیری هویت ایرانیان است. لذا در این تحقیق به سرزمین و تاریخ، و تغییرات دو عنصر مهم هویتی یعنی دین و زبان در دو قرن نخست



هجری پرداخته خواهد شد. تاکید این تحقیق بر چرایی و چگونگی تغییرات هویت دینی و زبانی ایرانیان و تاثیر پذیری آن از حمله اعراب به ایران و چگونگی تغییر هویت دینی قبلی و تبدیل آن به هویت دینی اسلامی شیعی، و تبدیل زبان پهلوی به زبان فارسی میانه است، و بررسی این تغییرات هویت دینی و زبانی با بکارگیری چارچوب نظری تلفیقی تحقیق انجام خواهد شد.

فتح ایران و آمدن اسلام به ایران به دست امویان انجام شد، اما خوانش و روایت امویان از اسلام و رفتار حاکمان عرب با شهروندان به عنوان موالی با مقاومت ایرانیان روبرو شد، و ایرانیان خوانش اهل بیت و خاندان پیامبر اسلام را به عنوان روایت صحیح از دین اسلام پذیرفتند و مسلمانان شیعه شدند.

هویت مقاومت باعث شکل گیری و در طول زمان نزدیکی و تحکیم هویت دینی اسلامی با گرایش شیعی و نیز تغییر زبان از پهلوی به فارسی میانه، گردیده است، و در مقاطع تاریخی بعدی بخصوص دوره صفویه به بعد، از جنبه دینی و ملی هویت شیعی برای همبستگی مردم ایران بهره برداری بیشتری شده و در عین حال به تثبیت، تحکیم و پایایی آن کمک شده است.

در این پژوهش تلاش میشود تغییرات هویت ایرانیان در دو سده نخست ورود اسلام به ایران مورد بررسی قرار گیرد. در این مقطع زمانی پس از پیروزی اعراب حکومت تغییر میکند و دین اسلام بعنوان دین جدید به ایرانیان معرفی میشود. چگونگی پذیرش حکومت و دین جدید و تغییرات بوجود آمده در هویت دینی و زبانی ایرانیان مورد بحث و بررسی این پژوهش است. باتوجه به اختلاف نظر محققان و پژوهندگان در زمینه هویت ایرانیان و اجزاء آن و تقدم، تاخر، تفضل و اهمیت این اجزاء در شکل دادن به هویت ایرانیان بخصوص دین اسلام و مذهب شیعه و نیز پذیرش دین جدید، تلاش میشود با بکارگیری چارچوب هویت مقاومت براساس تعریف کاستلز و نظریه هویت تاریخی ایرانیان حمید احمدی و نیز نظریه ساخت یابی آنتونی گیدنز به چگونگی تغییرات و شکل گیری هویت ایرانیان (بخصوص هویت دینی و زبانی ایرانیان) دست پیدا کنیم و اهمیت و نقش این اجزا را در هویت ایرانیان و نیز همراستایی یا تنافر آن را با هویت تاریخی و دین قدیم ایرانیان بررسی کنیم.

## ۱-۱-۲ اهمیت و ضرورت تحقیق:

اهمیت موضوع هویت، از منظر شناخت فردی تک تک افراد ملت، از هویت ملی خود و اجزاء تشکیل دهنده و مقوم این هویت مطرح است. در زمانیکه مدرنیسم و پست مدرنیسم جوامع را درگیر موضوعات و چالشهای هویتی نموده اند و به خصوص جوانان را هدف موضوع هویت قرار داده و با مطرح نمودن فضای جهانی شدن آنان را دچار چالش های هویت ملی نموده اند از خود بیگانگی، خودباختگی در برابر مفاهیم سیال جهان وطن و مخاطرات متعدد دیگر اهمیت تعریفی موسع از هویت ایرانیان را برجسته می سازد.

از منظر امنیت ملی نیز هویت بحث درخور توجهی میباشد. چرا که برای شناخت مخاطراتی که متوجه یک کشور میباشد شناخت مفهوم هویت ملی به روشن شدن درک و تعریف ملی از اجزاء شکل دهنده هویت ملی از جمله دین، زبان، تاریخ، جغرافیا، ارزشها، باورها، آمال و سایر مفاهیم مورد وثوق یک ملت پرداخته و از این طریق نه تنها به افزایش انگیزه وفاداری ملی می پردازد، بلکه به شناسایی دشمنان این مفاهیم نیز کمک مینماید. "تجربه تاریخی جامعه ایرانی حاکی از این واقعیت است که دولت ها به ویژه در دوران معاصر علاقه وافری به هویت سازی با انگیزه افزایش وفاداری ملی دارند." (زهیری، ۱۳۸۹: ۱۸) "احساس تعلق و وابستگی به هویت ملی می تواند علاوه بر افزایش ضریب امنیت ملی و ارتقای آن، خلاقیت و نوآوری و مشارکت حداکثری را با بهره گیری از همه ظرفیت های بالقوه و بالفعل آحاد مردم از هر قوم، نژاد، فرهنگ و ایدئولوژی به مرحله ظهور و بروز برساند." (حیدری، ۱۳۸۳: ۳۴۱)

هویت از منظر جهانی سازی نیز مهم است، فرایند جهانی سازی در جهت اجرای بهتر مقاصد سیاسی و اقتصادی خود در سطح جهان، و نفوذ اقتصادی و سیاسی بیشتر، دست به ایجاد مفاهیمی می زند که بیش از پیش شکل فرهنگی به خود می گیرد، و به خلق مفاهیم فرهنگ جهانی می پردازد. و در این راه فرهنگ های بومی و محلی را مورد هجوم قرار داده و ضمن از بین بردن و یا تحت فشار قرار دادن تنوع و تمایزات فرهنگی، به خلق مفاهیم مشترک و یکسان سازی درک ها از مفاهیم فرهنگی می پردازد. در جوامع سنتی بعلت وجود قوانین و سنت ها، و پایبندی و پیروی مردم از آنها، تغییرات و تهدیدات هویتی کمتر از جوامع در حال گذار بود. "در واقع جوامع سنتی دنیاهای کوچک و منسجم بودند که همه عوامل و منابع هویت بخش به واسطه مکان، کارویژه هویت سازی را بخوبی انجام می دادند." (گل محمدی، ۱۳۹۱: ۲۳۲) اما امروزه همه جهان تحت تاثیر فرایند جهانی شدن قرار گرفته است، و مظاهر نفوذ تکنولوژیک آن را در کاربرد موبایل

و گیرنده های ماهواره، در دورترین نقاط جهان نیز می توان مشاهده کرد. بنا بر این توجه به فرایند جهانی شدن و تهدیدات هویتی که در پی دارد، پرداختن به بحث هویت با اهمیت به نظر می رسد، و بر شناخت هویت ملی در جهت مقابله با این تهدیدات تاکید شده است. " تقویت هویت ملی تنها ابزار ایستادگی در برابر سلطه نهفته در فرایند جهانی سازی کنونی است." (احمدی، ۱۳۹۰: ۳۲۶)

بحران هویت از مسائل پر اهمیت در بحث هویت است. مسائل و مشکلاتی که از عدم شناخت و یا تعارضات هویت شخصی، هویت اجتماعی و هویت ملی بوجود می آید، موجب نگرانی، سردرگمی و در نهایت بحران ها و گسست های هویتی خواهد شد. " چنانچه نظام های سیاسی به دلیل ناکارآمدی یا اختلال در بهره گیری از تواناییهای خود در ابداع و ایجاد یک هویت مشترک در میان مردم خود ناکام بمانند بسترهای بحران هویت فراهم میشود." (زهیری، ۱۳۸۹: ۱۵) لوسین پای در کتاب بحران ها و توالی ها در توسعه سیاسی در مورد بحران هویت می گوید: "بحران هویت وقتی رخ می دهد که یک جامعه دریا بد آنچه را تاکنون بی چون و چرا به عنوان تعریف فیزیکی و روانشناسانه خود جمعی اش پذیرفته است، در شرایط تاریخی جدید دیگر قابل پذیرش نیست." (پای، ۱۳۸۰: ۱۷۰)

یکی از مباحثی که با شروع عصر مدرنیسم همواره مورد نظر کارشناسان و تحلیل گران بوده است مسأله بحران های جامعه مدرن است. به تعبیری حتی می توان جامعه در مسیر به سوی مدرنیسم را جامعه بحرانی نامید یکی از مهمترین بحران های جامعه مدرن و نیز جوامع در حال گذر بحران هویت است. (میر ساردو، ۱۳۸۷: ۷۸) در ایران شمار زیادی از مردم به ویژه جوانان، در تعریف و تبیین هویت ملی خود مشکل دارند، و همنوایی لازم میان هویت ایرانی و اسلامی خویش نمی بینند. " (محمودی، ۱۳۸۳: ۳۰۰) بنا بر این، تعریف روشن و مشخص از عناصر هویت ساز، و چگونگی روندها و تغییرات آنها می تواند شبکه معنایی مشترکی برای فهم بهتر این مضامین و درک معینی از هویت ملی، و جلوگیری از بروز بحران های هویتی بخصوص در نوجوانان و جوانان، که بدنبال یافتن پاسخی برای پرسش های هویتی خویش اند، ضروری می نماید.

از نکات جدیدی که توجه به امر هویت را در دو دهه اخیر مطرح ساخته، غیریت سازی و نظریه برخورد تمدن های هانتینگتون و برداشت ها و تعاریف وی از هویت می باشد. تعیین مرزهای هویتی با تعاریف و برداشت های خاص و غیریت سازی با هویت های غیر غربی و منطقه ای پتانسیل عظیمی از نابردباری و افزایش احتمال درگیری را فراهم می سازد، لذا شناخت هویت و تعریف صحیح و موسع از هویت ملی و

دینی ایرانیان میتواند چهره اصیل و شاخص ایرانیان را با توجه به مولفه های سازنده هویت ملی نمایان ساخته و در برابر تعاریف ساختگی و برداشت های فردی از هویت ملی و دینی ایرانیان مطرح شود. "انسان ها آگاهانه یا ناخودآگاهانه باعث ترجیحاتی می شوند که این ترجیحات هویت ها را در تعارض با یکدیگر قرار می دهد." (فیرحی، ۱۳۸۳: ۱۰)

نکته دیگری که بحث هویت را با اهمیت میسازد هویت های مرگ باری است که در قالب اندیشه ها و برداشت های رجعت گرایانه به هویت اصیل دینی و بخصوص دین اسلام در منطقه خاورمیانه مطرح شده است، و به عنوان پاسخی به هویت های مجعول استعماری استفاده میشود، که غلط و بسیار خطرناک است. تقلیل مولفه های هویتی به یک عنصر "انسان ها را مقید به نگرشی مغرضانه، فرقه گرا، ناپردبار، سلطه گر، و گاهی نیز انتحار طلب کرده و آنان را اغلب به آدم کشان یا به هواداران آدم کشان تبدیل می کند. به سبب چنین برداشتی از هویت جهان بینی شان انحرافی است." (معلوف، ۱۳۹۲: ۳۹) این برداشت های مرتجع و افراطی از هویت اصیل تحت هر عنوانی که طرح شوند اثرات جبران ناپذیری بر نقش و اهمیت و جایگاه دین بعنوان یکی از مهمترین اجزاء هویت دینی ایرانیان، بخصوص بر گروه های سنی جوانان و نوجوانان برجای میگذارد.

شرح و تفسیری روشن از آموزه های اسلام که ایرانیان آن را بعنوان هویت دینی خود پذیرفته اند هم برای ایرانیان و هم برای روشن ساختن ذهن مخاطبان آنان در سراسر جهان بدون مرز کنونی با اهمیت بنظر میرسد.

### ۱-۱-۳ سوالهای اصلی تحقیق:

**سوال ۱:** کدام عنصر هویتی در تغییرات هویت ایرانیان در دو سده نخست هجری نقش مهمی داشته است؟

**سوال ۲:** تغییرات عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانیان (بخصوص دین) در دو سده نخست هجری در چارچوب هویت مقاومت چگونه تعریف میشود؟

**سوال ۳:** نسبت هویت دینی و هویت تاریخی ایرانیان در دو سده اول هجری چگونه است؟